

نقطه نظر / سرمقاله

شهرها، راوی جنگ اراده‌ها

در جنگ رمضان، برخورد اراده‌های دو جبهه ایران و آمریکا-اسرائیل مرحله جدیدی را تجربه می‌کند و شهرهای ایران بخشی بسیار مهم از میدان این رویارویی است. فهم رخدادهای این رویارویی برای عبور (در معنای والتر بنیامینی آن) می‌تواند زمینه پرورش وجودی باشد که برای آبادانی همه‌جانبه سرزمین فرصتی تکین است. توجه عمیق به منظر جنگ رمضان، نظر را به شیوه‌ای از توزیع قدرت (Power) که آن را برساخته جلب می‌کند. در گذشته تصور می‌شد توزیع قدرت به صورت درختی با تک تنه و از بالا به پایین است، اما امروزه می‌دانیم توزیع قدرت به صورت شبکه‌ای و بدون تک تنه و همراه با ابزارهای رسانه‌ای پیچیده انجام می‌شود. در واقع توزیع قدرت، لایه‌های اجباری و آشکار دارد و لایه‌های رضایت و پنهان (هژمونی). این لایه دوم که عمیق تر است لایه اول را نیز ممکن می‌سازد. مقاومت ایران در برابر جنایت‌های جنگی ۹ اسفند ۱۴۰۴ دشمن آمریکایی-اسرائیلی تاکنون، در عمل نشان داده که شهرهای ایران دارای توزیع قدرتی است که از جنبه شدت و جهت توان رویارویی دارد. در این بین برگ برنده شهرهای ایران در مقایسه با دشمن، نه مبتنی بر شدت بلکه مبتنی بر جهت توزیع قدرتش است. جهتی که چیزی به کلی متفاوت از محاسبات دشمن و به تبع به مراتب توانا در برابر اوست.

جهت قدرت برسازنده شهرهای ایران که همان تعاملات نیروهای مردم و محیط است نوعی از منظرها را برساخته که می‌تواند با عناصرش در مسیر محو کردن هژمونی پنهان‌کننده رابطه سلطنت/بردگی دشمن حرکت کند. قدرتی که علاوه بر گواه دینی به گواه اشعار عالی فارسی نیز عاشقی است (بندگی و سلطنت معلوم شد/زین دو پرده عاشقی مکتوم شد-مولانا). در جنگ رمضان، پیروزی از آن کسی است که با محیط و ماده، هژمونی را تغییر دهد. چون توزیع قدرت شهرهای ایران در جهت آزادی و خروج از چرخه سلطنت/بردگی است، رخ داده‌ها یا «آن»هایی را بروز می‌دهد که توان درهم شکستن هژمونی قدرت سلطه‌گر را دارد. اگرچه شهادت و زخمی شدن سرزمین بار سنگینی است ولی دروغ خیرخواهی قوم‌های سلطه‌گر و برده‌دار که با هژمونی شبکه‌ای کادوپیچ شده (ناو زیبا!) را برملا می‌کند و با زهم پاشیدن هژمونی، ادوات آن بی‌خاصیت می‌شود.

از جنبه تخصصی، امروز می‌توان ورای پرده کدر خیابان‌های متعاند و ساختمان‌های ۶۰ به ۴۰، با تعمق در حضور و اجتماع ریزومی مردم، توزیع قدرت شهر ایرانی را دید: ۱- شروع تراکم جمعیت از میان پراکندگی کوچه‌ها به مثابه محله‌هایی همگرا، ۲- اتصال تراکم‌ها در گذرها با فاش‌گویی دعوت به آزادی، ۳- ترکیب شدن تراکم‌ها در میدانگاه‌های رفتاری دیگرخواهی، ۴- هم‌افزایی قدرت در شبکه‌های از مجموعه‌هایی با اراده‌های عبادی، اجتماعی و کارکردی، ۵- بازتوزیع توان ناشی از این باهم‌بودگی توحیدی در قالب خواست توان ایران به مثابه روح یک جهان بی‌روح. این توزیع قدرت در تقاطع‌های آسفالت سواره‌ای رخ می‌دهد که نگاه تک‌بعدی به آن‌ها، توسط نیروها به رسمیت شناخته نشده است. این فرصتی است برای فهم ظرفیت‌های چند بعدی شهر و نسبتش با قدرت در جهت ارتقاء وجودی. امید است در راه رشد کشور، بتوان شهرها را تحقق توزیع قدرت در جهت آزادی فهم کرد، نه محیطی بی‌طرف.

سید امیر هاشمی‌زادگان

گروه معماری منظر، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا،

دانشگاه تهران، ایران

hashemi.a@ut.ac.ir

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to journal of Art and Civilization of the Orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

هاشمی‌زادگان، سید امیر. (۱۴۰۵). شهرها، راوی جنگ اراده‌ها. مجله هنر و تمدن شرق، ۱۴ (۵۱)، ۵.

DOI: 10.22034/JACO.2026.242145

URL: https://www.jaco-sj.com/article_242145.html?lang=fa